سیمای یهود در قرآن

بخش دوم

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی، نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اشاره: آشنایی با یهود، پیشینه، نگاه و عملکرد آن، در شناخت و بصیرت‌افزایی و نحوه برخورد با آنان بسیار مؤثر خواهد بود. مرکز رسانه حوزه، در ادامه سلسله مباحث «سیمای یهود در قرآن» در قالب گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی‌صادقی، بخش دوم آن را تقدیم مخاطبان ارجمند می‌کند.

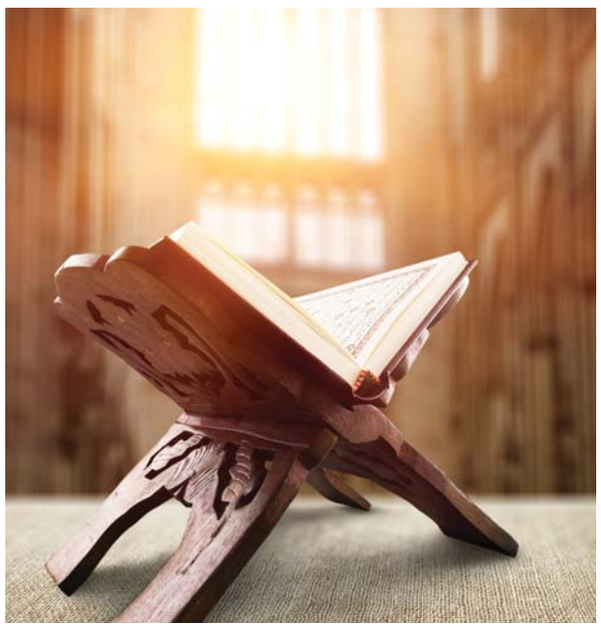

• یهودیان در مدینه

بعد از هجرت یهودیان به یثرب و قبل از بعثت پیامبر ﷺ برخی از اعراب به دین ایشان درآمدند و زمانی که دین اسلام ظهور کرد، قبایل بزرگی از یهودیان در آن سرزمین وجود داشتند؛ مثل بنی‌قریظه، بنی‌نضیر و بنی‌قینقاع. از آنجا که یهودیان نسبت به ظهور اسلام، علم داشتند، انتظار می‌رفت که پیش از دیگران به اسلام گرایش پیدا کنند؛ اما به‌دلیل دنیاپرستی و حفظ موقعیت خود، یهود به بزرگ‌ترین دشمن اسلام تبدیل شد و این دشمنی، بعد از پیامبر اکرم ﷺ ادامه پیدا کرد و تا به امروز آنان به‌عنوان توطئه‌گران و فتنه‌گران علیه اسلام فعالیت می‌کنند و می‌توان ادعا کرد، کارگردانی بزرگترین انحرافات بعد از پیامبر ﷺ توسط یهودیان اجرا شد و شروع آن را جریان سقیفه می‌دانم؛ جریان سقیفه در حقیقت کار کسانی است که آن را تحقق بخشیدند و کسانی که در آنجا حضور داشتند و بازیگری کردند، هنرپیشگانی بیش نبودند و کارگردانی این جریان را یهود به عهده داشت. یهودیان قبل از رحلت پیامبر ﷺ برنامه‌ریزی کرده بودند و می‌گفتند: تا پیامبر ﷺ زنده می‌باشد، نمی‌توان کاری کرد و باید بعد از پیامبر در دین او نفوذ کنیم و دین او را استحاله نماییم.

• روش‌های یهود برای از بین بردن اسلام راستین

دشمن برای از بین بردن یک مکتب، سه کار انجام می‌دهد: ۱. نفوذ ۲. استحاله ۳. براندازی؛ لذا یهودیان گفتند: باید در بین مسلمین نفوذ کنیم و خود ایشان مستقیماً نمی‌توانستند، وارد این جریان بشوند؛ اما معتقد بودند که با جنگ نرم می‌توانند، اندیشه برخی مسلمانان را تصاحب کنند.

• جنگ سرد و گرم

اگر بخواهیم به تفاوت جنگ نرم و سرد اشاره‌ای داشته باشیم، تفاوت این دو در این مطلب است که دشمن در جنگ سرد به دنبال سرزمین است؛ اما در جنگ نرم، به دنبال تصرف فکر و اندیشه است؛ لذا یهودیان از دنیاطلبی و ضعف ایمان برخی از صحابه سوء استفاده کردند تا نگذارند، «ولایت» که عِدل قرآن و مبیّن و حافظ قرآن و مجری دستورات قرآنی بود، سربلند کند و آنان می‌دانستند، اسلام منهای ولایت، آسیب‌پذیر است؛ می‌دانستند قرآن منهای ولایت، تحریف معنوی می‌شود؛ می‌دانستند اسلام منهای، علی علیه‌السلام تهدیدکننده و مزاحم منافع یهود نیست؛ لذا گفتند: می‌توانیم با اسلام منهای ولایت، ظاهر اسلام را حفظ؛ اما حقیقت آن را تحریف کنیم.

• شواهد دست داشتن یهود در جریانات سقیفه

الف) جلسات سرّی قبل از رحلت پیامبر اکرم ﷺ

یکی از شواهدی که می‌توان در این زمینه بیان کرد، جلساتی است که یهود در سال آخر عمر پیامبر ﷺ و حتی در جریان حجة‌الوداع در مکه و مدینه برگزار کردند و اگر سری به اسناد تاریخی بزنیم، می‌بینیم که در آن جلسات، یهودیان مدینه و برخی از مشرکین و منافقین مدینه حضور داشتند و همین جریان، سبب قضایای مربوط به جیش «اسامه» شد و نگرانی پیامبر ﷺ از همین جریان بود. رسول خدا نگران این مطلب بودند که اگر ولایت علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام را رسماً اعلام کند، این جریان بعد از او با دین خدا چه می‌کند: ﴿یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بلغت رِسالَتَهُ وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لایَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ﴾[1]

ب) کمرنگ شدن مباحث مربوط به یهود بعد از رحلت رسول‌الله ﷺ

به‌خاطر همین جریان بود که بعد از پیامبر ﷺ، دیگر سخنی از یهود نیست. اگر سری به دوران نزول قرآن بزنید، می‌بینیم، آیات فراوانی درباره یهود نازل شده است؛ اعم از مباحثی مانند توطئه‌های عملی یهود و مواضع فکری آنها. یکی از پربخش‌ترین آیات الهی، مباحث مربوط به یهود است؛ اما چطور شد که بعد از رحلت پیامبر ﷺ در مجامع اسلامی و تفاسیر قرآنی و بیانات سه خلیفه اول، دیگر بحثی درباره یهود وجود ندارد و این، نشان از مدیریت جریانی است که در پشت پرده قرار دارد و شواهد دیگری هم، در این زمینه وجود دارد و فعلاً به آن نمی‌پردازیم؛ یهودیان با بهره‌برداری از جریان منافقین داخلی و برخی از مسلمانان ضعیف‌الایمان و گرفتار دنیا، اهداف خود را اجرا کردند و اولین گام آنها، جدا کردن قرآن از ولایت بود و جدا کردن قرآن از ولایت، به‌معنی از کار انداختن قرآن می‌باشد و این کار بزرگی بود و به‌تعبیر علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان: چه شد قرآنی که عامل وحدت بود، عامل اختلاف شد؛ قرآنی که باید هدایت می‌کرد، گمراه کرد؟! اگر ما به سراغ فرق اسلامی برویم، می‌بینیم که هر فرقه‌ای با قرآن، دیگری را محکوم می‌کند، وهابیت علیه شیعه به قرآن استناد می‌کند و...؛ اما کدامین قرآن، موجب اختلاف است؟! قرآنی که مبیّن آن «کعب‌الاحبارها» هستند، قرآنی که اسرائیلیات در تفسیر و تبیین آن نقش تعیین‌کننده دارد، قرآنی که برداشت‌ها و آرای برگرفته از هواهای نفسانی یا جهل افراد در تفسیر آن داخل شده‌اند و به‌قول شهید مطهری، بزرگ‌ترین انحراف در عالم اسلام، از همین‌جا آغاز می‌شود و آن، جدایی قرآن از ولایت است.

سؤال این است که چرا کعب‌الاحبار پیرمرد، در زمان پیامبر ﷺ مسلمان نشد؟ چرا او و امثال وی، در زمان پیامبر مطرح نبودند و در زمان خلیفه اول، مفسر و خطبه‌خوان مسلمانان می‌شوند؟!

قرآن با صراحت می‌گوید: دینی که به امضای خدا رسیده است؛ دینی کامل و آسیب‌ناپذیر است که ولایت در آن باشد؛ قرآن کی اسلام را به‌عنوان دین برای ما پسندید: ﴿الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَرَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً﴾؛[2] زمانی دین اسلام به امضای خداوند رسید که بحث ولایت مطرح است و پیامبر ﷺ در طول حیات مبارک خود برای مسلمین تبیین کرده بود که دین من، دوبخشی است: قرآن و ولایت. یهود متوجه این مطلب بود که آن چیزی که دین پیامبر ﷺ و تفکر او را ابدی می‌کند، ولایت است؛ لذا کمر همت بستند تا ولایت را حذف کنند و قرآن منهای ولایت را می‌توان آن‌گونه که خود می‌خواستند تفسیر کنند.

• دین تحریف نشده

زمانی که یک سنگر نشین عالم و آگاه مانند علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام در سنگر ولایت و حکومت حضور داشته باشد، دین قابل تحریف نخواهد بود. گفتند: علی را بگیرید تا دین را بگیرید و اینکه پیامبر ﷺ فرمود: «عَلِیٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِیٍّ یَدُورُ حَیْثُمَا دَارَ»،[3] شاید به‌خاطر همین مطلب است که پیامبر می‌خواهد بگوید: ای مسلمانان! اگر حق را از غیر طریق آن بجویید، به باطل می‌رسید.

در زمان ما هم کارگردانی بسیاری از مشکلات جهان اسلام، توسط یهودیان است؛ یهود با ذهن شیطانی خود و روش «سد عن سبیل‌الله»، خودشان رهزنی کرده‌اند؛ در جریان حضرت آدم علیه‌السلام، شیطان قسم یاد کرد و گفت: ﴿قالَ فَبِما أَغْوَیْتَنی لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَکَ الْمُسْتَقیمَ﴾؛[4] سر راه بندگانت می‌نشینم و آنها را از صراط مستقیم گمراه می‌کنم. این مطلب را راجع به یهود هم داریم: ﴿وَیَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ﴾.[5] الآن هم یهود با محوریت صهیونیسم، تلاش دارد تا مسلمانان را از درون با جنگ نرم متلاشی کند؛ الآن هم کمپانی‌های خطرناک در دست آنان است و الآن هم در اورشلیم جلسات شیعه‌شناسی تشکیل می‌شود و در آنجا بحث می‌شود که شیعه را باید با جنگ نرم از بین برد. «فوکویاما»[6] زمانی که در کنگره اورشلیم صحبت می‌کند، می‌گوید: شیعه دو بال دارد و با این دو بال، در افقی پرواز می‌کند که گلوله‌های ما به او نمی‌رسد و آن دو بال، جریان کربلا و مهدویت است و شیعه با این دو بال، زرهی بر تن دارد و آن زره، ولایت‌پذیری است؛ یهود از شیعه، کینه بر دل دارد. چرا باید یهود بغض شیعه را در دل داشت باشد؟ چون می‌داند، اسلام نابی که آنها را تهدید می‌کند، اسلام شیعی است. به هر حال نمی‌شود، نقش یهود را به‌عنوان فتنه‌گرانی که همواره در اسلام ایجاد فتنه کرده‌اند، نادیده گرفت.

• نام‌های یهود در قرآن

در قرآن ۴۱ بار تعبیر «بنی‌اسرائیل»، یک بار تعبیر به «بنو اسرائیل» و یک مرتبه کلمه «اسرائیل» به‌عنوان لقب حضرت یعقوب علیه‌السلام آمده است؛ ۹ مورد از قوم یهود یاد شده است؛ ۱۰ مورد تعبیر «هادوا» بیان شده است؛ ۳۱ مورد عنوان «اهل کتاب» نام برده شده است.

بنی‌اسرائیل و پیروان حضرت موسی علیه‌السلام با نام‌های مختلف یاد شده‌اند «عبرانی»، یکی از قدیمی‌ترین نام‌های این قوم می‌باشد؛ یعنی قومی که به حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌رسند و در نام‌گذاری ابراهیم علیه‌السلام به «عبرانی» وجوهی ذکر شده است: یکی اینکه به ابراهیم «عبرانی» گفتند، چون عبرانی از «عبر» است، به‌معنی عبور از آب؛ چون ابراهیم از رود فرات به جنوب عبور کرده بود، او را عبران گفته‌اند؛ یعنی عبورکننده از آب و برخی گفته‌اند: عبرانی از نام یکی از اجداد ابراهیم گرفته شده است به‌نام عابر و احتمال داده‌اند؛ عبرانی لقب قوم بنی‌اسرائیل بوده است؛ نه لقب حضرت ابراهیم علیه‌السلام و به بنی‌اسرائیل عبرانی می‌گویند؛ چراکه ایشان بعد از بیابان‌گردی، به فلسطین رسیدند؛ بعد از نام عبرانی قدیمی‌ترین اسم یهود، بنی‌اسرائیل است و به‌معنی فرزندان حضرت یعقوب علیه‌السلام و در وجه تسمیه یعقوب به اسرائیل، دو دیدگاه وجود دارد؛ یهودیان بر اساس آنچه در «سِفْر پیدایش» آمده است، می‌گویند: اسرائیل به‌معنای پیروز بر قهرمان می‌باشد و به کسی می‌گویند که قهرمانی را شکست دهد؛ چراکه یعقوب در کشتی با خدا یا فرشته‌ای که نماینده مظهر قدرت خدا بود، پیروز شد، او را اسرائیل خواندند؛ اما مفسرین مسلمان می‌گویند: اسرائیل کلمه‌ای مرکب است از اسرا به‌معنای عبد و ئیل به‌معنای الله است و اسرائیل یعنی عبدالله؛ چراکه یعقوب عبد خداست.

• نام‌گذاری به یهود

نام سوم و مشهورترین نام پیروان موسی علیه‌السلام یهود است و اگر به قرآن رجوع شود، می‌بینیم که اصطلاح بنی‌اسرائیل بیشتر راجع به گذشته ایشان بیان شده است و کلمه یهود، راجع به یهودیان زمان پیامبر ﷺ بیان شده است و در علت نام‌گذاری به یهود، وجوهی ذکر شده است: اول اینکه یهود از هاد؛ یهود؛ هوداً است، به‌معنای بازگشت و توبه به‌همراه نرمی و آرامش و علت اینکه به این معنا به قوم موسی علیه‌السلام یهود می‌گویند، چون بعد از درخواست رویت و آمدن صاعقه، موسی علیه‌السلام رو به خدا کرد و گفت: ﴿إِنَّا هُدْنا إِلَیْکَ﴾[7] همانا ما به سوی تو بازگشت و توبه می‌کنیم و یهود به این معنا، به‌معنای توبه‌کنندگان و بازگشت‌کنندگان است؛ دوم اینکه چون بنی‌اسرائیل، فرزند حضرت یعقوب علیه‌السلام هستند و نسب آنان به حضرت یعقوب، از طریق یهودا[یکی از فرزندان حضرت یعقوب] است و نسبت همه به او منتهی می‌شود؛ البته بعضی می‌گویند: یهود در اصل یهودا بوده است و معرب آن یهود است؛ اصطلاح دیگری که به قوم یهود اطلاق شده است، اصطلاح اهل کتاب است و اهل کتاب در اصطلاح، کسانی هستند که دارای کتاب آسمانی بوده‌اند و در اصل اعتقادات، دارای دیدگاه‌های مشترکی بودند؛ مانند اعتقاد به توحید و معاد و امثال آن و نسبت به اسلام بشارت‌دهنده بوده‌اند، قرآن از آنان تعبیر به اهل کتاب می‌کند؛ اما مصداق بارز اهل کتاب در قرآن پیروان موسی و عیسی علیهما‌السلام می‌باشد.

شاید مناسب باشد، در کنار این نام‌گذاری‌ها، به کلمه صهیونیسم هم اشاره‌ای کنیم. صهیونیسم یک حزب یهودی و سیاسی است؛ هرچند سابقه تاریخی ندارد؛ اما تکیه آنها بر نژادپرستی و حکومت از نیل تا فرات و در مرحله بعد در تمام جهان است و عمده عامل بقا آن، حمایت استکبار جهانی و در برخی موارد، همراهی سازمان‌های جهانی و سکوت دنیاست.

• اجمالی از تاریخچه صهیونیسم

شخصی مجارستانی به‌نام تئودور هرتسل[8] در زمانی که یهود تحت فشار بود، به تشکیل حکومت یهودی اقدام کرد و در سال ۱۸۹۵ میلادی، کتاب دولت یهود را به زبان آلمانی منتشر کرد و در آن کتاب گفت: حکومت یهودی و اسرائیل باید یا در آرژانتین یا در فلسطین تشکیل شود؛ اما یهودیان، فلسطین را ترجیح دادند و در اواخر قرن ۱۹، یهودیان اروپا و روسیه، حزبی را تشکیل دادند و با آن، صهیونیسم را بنیاد گذاشتند؛ لذا با مهاجرت یهودیان، فلسطین اشغال شد و با بهره‌برداری از ضعف حاکمان مسلمان، صهیونیسم، موقعیت خود را تثبیت کرد و در سال ۱۹۴۸، سازمان ملل تحت تأثیر قدرت حاکم، فلسطین را به دو منطقه عرب‌نشین و یهودنشین تقسیم کرد و سر انجام در تاریخ ۱۴ ماه مه ۱۹۴۸، اعلامیه تشکیل اسرائیل قرائت شد و یهودیان صهیونیسم، کشور غصبی خود را تشکیل دادند.

• کتاب مقدس یهود

کتاب مقدس یهود، به دو نام مشهور است: یکی کتب اهل عتیق و این نام را مسیحیان در مقابل اناجیل اربعه مطرح کرده‌اند که از آن، به عهد جدید تعبیر می‌شود. عهد عتیق در حال حاضر ۳۹ کتاب است و مهمترین آنها، ۵ کتاب به‌نام اسفار خمسه است که در زمان خود موسی علیه‌السلام تعلیم و تدوین شده است و بقیه کتاب‌ها هم، اسفار انبیا و مکتوباتی است که از حضرت موسی علیه‌السلام به‌وسیله انبیای بعدی که مروجین شریعت موسی یا راهبان و علمای دینی بوده‌اند، به‌تدریج نگاشته شده است و از منظر ایشان، همه این ۳۹ کتاب اعتبار دارد؛ گرچه منبع اصلی آن اسفار خمسه است؛ اما بقیه کتاب‌ها تفسیر آن پنج سِفْر است و هر دو حجت است؛ بلاتشبیه مثل رابطه سنت و قرآن مسلمان. آنها می‌گویند: بسیاری از احکام در کتاب‌های دیگر آمده است؛ گرچه کتابهای دیگر به عظمت اسفار خمسه نیستند؛ لکن آنها ادامه‌دهنده اسفار خمسه‌اند؛ اسم دوم کتاب‌شان تورات است. تورات کلمه‌ای عبری است به‌نام تعلیم، هدایت، شریعت و قانون؛ اما در اصطلاح رایج، به‌نام کتاب مقدس یهودیان است و هر یهودی، باید تا حد امکان به فراگیری و عمل به آن اقدام کند و از نظر ایشان، تورات مشتمل بر ۶۱۳ فرمان ایجابی و سلبی است که ۲۴۸ فرمان آن امری و ایجابی و ۳۶۵ فرمان دیگر سلبی و بازدارنده است و خداوند آنها را در طی ۴۰ سال اقامت بنی‌اسرائیل در بیابان به‌وسیله موسی علیه‌السلام به آنها رسانده است و به اعتقاد ایشان، اعتقاد به آسمانی بودن تورات، از ضروریات است؛ البته الفاظ آن را وحی نمی‌دانند؛ بلکه محتوی آن را وحی می‌دانند و در فرهنگ یهود، تورات بر همه ۳۹ کتاب اطلاق می‌شود و در این اصطلاح، همه کتب مقدس را شامل می‌شود و اصطلاح دیگر، کاربرد خاص و بخشی از عهد عتیق است که اسفار خمسه است. پنج سِفر تورات عبارتند از ۱. سفر پیدایش و آغازین که سرگذشت آدم و حوا، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و فرزندان وی می‌باشد و با مرگ یوسف پایان می‌یابد. ۲. سفر خروج، سفر دوم است و ماجرای بردگی بنی‌اسرائیل، تولد موسی، خروج بنی‌اسرائیل از مصر، چهل سال سرگردانی در بیابان و اعطای ۱۰ فرمان بیان شده است. ۳. سفر لاویان که عموماً مشتمل بر آداب شرعی و احکام دینی است و بخش فقهی تورات است. ۴. سفر اعداد، بخش بعدی است و نشان‌دهنده آمار بنی‌اسرائیل در عصر حضرت موسی علیه‌السلام، شریعت و تاریخ ایشان است و بیان حوادثی است که بین راه مصر و سرزمین موعود بر بنی‌اسرائیل گذشته است و همچنین با بحث استقرار بنی‌اسرائیل در فلسطین پایان یافته است. ۵. سفر تثنیه؛ تکرار احکامی که در اسفار پیشین آمده است و تاریخ بنی‌اسرائیل تا رحلت حضرت موسی و تعیین یوشع به‌عنوان رهبر بنی‌اسرائیل است.[9]

• تورات در اصطلاح اسلام

به‌تصریح قرآن و روایات، «تورات» کتاب آسمانی است که بر موسی نازل شده است و از اصل تورات، بیش از همه، قرآن دفاع کرده است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراةَ فیها هُدیً وَنُورٌ﴾؛[10] ما توراتی که در آن هدایت و نور بود، نازل کردیم. نام تورات ۱۸ بار در قرآن آمده است و گاهی از آن، تعبیر به الواح شده است و در سوره اعراف، آیات ۱۴۵، ۱۵۰و ۱۵۴ از آن به الواح یاد شده است و گاهی تعبیر به صحف موسی می‌کند. در روایات هم، مواعظی از تورات بیان شده است؛ البته تورات اصلی و الواح، بعد از موسی نابود شد و در بازنویسی، محتوی مورد توجه بود نه الفاظ؛ لذا بسیاری از آموزه‌های موسی به الفاظ دیگر بازنویسی شد و در جریان بازنویسی، تحریفاتی به‌وسیله یهودیان انجام شد؛ اما در عین حال در همان تورات باقی‌مانده و تحریف‌شده، بخش‌هایی از تورات اصلی وجود دارد و قرآن به آن استناد می‌کند.

• بعض شواهد دال بر تحریف تورات

۱. در سفر تثنیه، جریان فوت موسی علیه‌السلام را بیان می‌کند و در بخش‌هایی از تورات، از شهرهایی نام می‌برد که بعد از موسی شکل گرفته است؛ لذا تدوین تورات فعلی، بعد از موسی بوده است. ۲. برخی مطالب آن، کاملاً خرافی است و هرگز نمی‌تواند مستند به موسی باشد؛ مثل داستان کشتی گرفتن خدا با یعقوب و غلبه یعقوب بر خدا. ۳. از نظر تاریخی، تورات در دو مرحله به‌طور کلی نابود شده است؛ یکی در زمان سلیمان و دیگر در جریان حمله بخت‌النصر در ۶۰۰ سال قبل از میلاد که همه آثار یهود را از بین برد و سوزاند و تا ۵۰ سال، کتاب و سازمانی نداشتند تا اینکه در زمان کوروش،[11] عُزیر با توجه به حافظه خود، تورات را بازنویسی کرد و بعد از موسی، کسی به‌اندازه او، نزد ایشان محترم نیست. ۴. تفاوت‌هایی که در سبک نگارش دیده می‌شود، نشان می‌دهد که اسفار خمسه، از منابع مختلفی می‌باشد و خود یهودیان، در انتساب آن به موسی علیه‌السلام تردید دارند و قرآن هم، اشاره به این مطلب دارد: ﴿وَلَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ فَاخْتُلِفَ فیهِ وَلَوْ لاکَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بینهم وَإِنَّهُمْ لَفی شَکٍّ مِنْهُ مُریبٍ﴾.[12] ۵. بسیاری از دانشمندان یهودی و اروپایی با تحقیقات مفصل می‌گویند: نمی‌شود، همه اسفار خمسه را به موسی نسبت داد؛ اما باز هم یادآوری می‌کنم، یکی از معجزات این است که بشارت بعثت رسول خاتم ﷺ در تورات باقی مانده است.

• تلمود

این کتاب از قرن دوم تا ششم میلادی، توسط عالمان یهودی جمع‌آوری شده است و کشکول و دائرةالمعارفی است که دارای شش بخش و ۶۲ رساله اصلی است و در ۳۶ جلد تنظیم شده و هدف از آن، تبیین و تشریح احکام دینی و نحوه اجرای شریعت و تفسیر تورات است؛ لذا مشتمل بر بدنه اصلی است که همان معارف عهد عتیق است و از آن تعبیر به «میشنا» می‌کنند و اثر تکمیلی و تفسیرکننده بخش نخستین که از آن به «گمارا» می‌کنند، فرقه‌های جدید یهود، ضمن تمرکز بر تورات به نقد تلمود توجه کرده‌اند و چون مطالب زیادی علیه مسیحیان دارد؛ لذا از جانب مسیحیان نقدهای فراوانی بر آن نوشته شده است.[13]

گفت‌وگو تنظیم: حمید کرمی

• پی نوشت‌ها

۱. سوره مائده، آیه ۶۷؛
۲. مائده، آیه ۳؛
۳. بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛
۴. سوره اعراف، آیه ۱۶؛
۵. سوره توبه، آیه ۳۴؛
۶. فوکویاما کیست؟!

فرانسیس فوکویاما(متولد ۱۹۵۲ در شیکاگو) فیلسوف پرآوازه آمریکایی و استاد در رشته اقتصاد سیاسی بین‌الملل است که هم‌اکنون در دانشگاه جان هاپکینز واشینگتن به تدریس اشتغال دارد.

وی همچنین دارای سابقه کار در اداره امنیت آمریکا و نیز تحلیل‌گر نظامی در شرکت (رند) از شرکت‌های وابسته به پنتاگون می‌باشد. وی پس از نگارش مقاله پایان تاریخ و واپسین انسان (the End of History and the last man)، در ۱۹۸۹/۱۳۶۸ که در ۱۳۷۰ / ۱۹۹۱، با تفصیل بیشتر و به‌همین نام، به‌صورت کتاب درآمد، به شهرت جهانی رسید.

در این دو نوشته، فوکویاما به دفاع تاریخی از ارزش‌های سیاسی غربی برخاست و استدلال کرد که رویدادهای اواخر قرن بیستم، نشان می‌دهد که اجماعی جهانی به‌نفع دموکراسی لیبرال به وجود آمده است. این اجماع، مساوی است با پایان تاریخ به‌معنای اینکه در شکل گرفتن اصول و نهادهای بنیادی دموکراسی، پیشرفت بیشتری به وجود نخواهد آمد؛ البته، باز هم رویدادهایی خواهد بود؛ ولی تاریخ، به‌معنای داستان جهانی رشد و شکوفایی آدمی، خاتمه یافته است.

نظریه‌های فوکویاما درباره پایان تاریخ و نیز نظریه جنگ تمدن‌ها و نظریه جنگ مذاهب، از هانتینگتون، از پایه-های فکری تحولات بین‌المللی در چند سال گذشته بوده است و اتفاقاتی که در سال‌های گذشته پیش آمده و شکست نماینده فکری غرب (آمریکا) و شکست اسرائیل و پیروزی‌های چشم‌گیر کشورها و گروه‌های اسلامی شیعی، نظریه‌های این متفکر غربی را زیر سؤال برده است. فوکویاما نظریه‌های معروف و نیز اعترافات معروفی دارد که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است که شما در اینجا بخشی از اعترفات او را از گفته‌ها و نوشته‌هایش می‌خوانید:

شیعه به روایت فوکویاما

در سال ۱۹۸۶ یعنی در اوج پیروزی‌های رزمندگان اسلام در جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی، فرانسیس فوکویاما در کنفرانسی در اورشلیم تحت عنوان بازنشناسی هویت شیعه که توسط صهیونیست‌ها برگزار شد، گفت: شیعه پرنده‌ای است که افق پروازش، خیلی بالاتر از تیرهای ماست؛ پرنده‌ای که دو بال دارد: یک بال سبز و یک بال سرخ؛ بال سبز این پرنده، همان مهدویت و عدالت‌خواهی اوست؛ چون شیعه در انتظار عدالت به سر می‌برد و امیدوار است و انسان امیدوار هم، شکست‌ناپذیر است.

او همچنین گفت: نمی‌توانید انسانی را تسخیر کنید که مدعی است، کسی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... به آن نمی‌رسد.

از نظر فوکویاما، شیعه بعد سوم هم دارد که بسیار مهم است. این پرنده، زرهی به‌نام ولایت‌پذیری بر تن دارد. در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقهی است؛ یعنی فقیه می‌تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است.

شاید این استدلال‌های قوی را از نظریه‌پردازان شیعه هم، کم شنیده باشیم که فوکویاما به‌عنوان یکی از معماران نظریه‌های دنیای نو به زبان می‌آورد. (منبع: سایت ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)

۷. سوره اعراف، آیه ۱۵۶؛

۸. بنیامین تئودور هرتسل، یا هرتزل، (۲ ژوئن ۱۸۶۰-۳ ژوئیه۱۹۰۴) روزنامه‌نگار یهودی مجاری‌تبار و بنیان‌گذار مکتب سیاسی صهیونیسم بود. هرتسل در بوداپست پایتخت مجارستان به دنیا آمد.

در کودکی به وین مهاجرت کرد و در رشته حقوق به تحصیل پرداخت و مدارج حقوقی قانونی اتریش را طی کرد. او در ابتدا خود را وقف روزنامه‌نگاری و ادبیات کرد. به‌عنوان یک فرد جوان به عضویت سازمان Burschenschaft درآمد که در زمینه اتحاد آلمان با شعار Ehre, Freiheit, Vaterland (افتخار، آزادی، سرزمین پدری) فعالیت می‌کرد.

۹. رجوع شود به آشنایی با ادیان بزرگ، توفیقی حسین، ص ۸۴؛

۱۰. سوره مائده، آیه ۴۴؛

۱۱. آشنایی با ادیان بزرگ، توفیقی حسین، ص ۹۱؛

هنگامی که کورش (یعنی خورشید) بنیان‌گذار سلسله هخامنشی، بابل را فتح کرد، یهودیان آزاد شدند و اجازه بازگشت به سرزمین خود را یافتند؛ اما بسیاری از آنان حاضر نبودند، بابل را ترک کنند و در بابل و اطراف آن پراکنده شدند. اعلامیه کورش در مورد آزادی یهود، حدود سال ۵۳۸ ق.م صادر شد. کورش با این کار در میان یهود محبوبیت زیادی به دست آورد. گروهی از یهودیان نیز، به فلسطین بازگشتند و به بازسازی شهر قدس آغاز کردند. در آن دوران، همسایگان آن سرزمین احساس خطر کردند و مانع برپایی یک حکومت مقتدر یهودی بر خاک فلسطین شدند. پس از آن حکومت‌های ناتوانی در مناطق مختلف فلسطین برپا شد و پس از چند قرن آشفتگی، شهر قدس برای بار دوم به دست رومیان ویران شد و این ویرانی یهودیان را در جهان را پراکنده ساخت. از آن پس، یهودیان در کشورهای بیگانه زندگی سختی را می‌گذراندند و انواع خواری و سرکوفتگی را در جسم و جان خود می‌چشیدند؛

۱۲. سوره هود، آیه ۱۱۰؛

۱۳. آشنایی با ادیان بزرگ، توفیقی حسین، ص۱۰۳:

کلمه «تلمود» به‌معنای آموزش از فعل ثلاثی عبری «لمد» (یعنی یاد داد) می‌آید و با واژه «تلمیذ» و مشتقات آن که در زبان عربی و رباعی هستند، ارتباط دارد. تلمود کتابی بسیار بزرگ که احادیث و احکام یهود را در بر دارد، اطلاق می‌شود. زمانی که یهودیان به بابل تبعید شدند، گروهی به‌نام سوفریم (یعنی کاتبان) میان آنان پدید آمد. کاتبان کسانی بودند که به کتابت تورات و مضامین مذهبی اهتمام داشتند. مهمترین سوفر عزرا (عزیر) بود که در قرن پنجم قبل از میلاد، می‌زیست و شاید پس از موسی علیه‌السلام بزرگترین شخصیت یهود باشد. عزرا تصمیم گرفت، شریعت موسی علیه‌السلام را بارور سازد و از عبارات کتاب عهد عتیق، نیازهای جامعه یهود را برآورد. اقدام وی سرآغاز سنت شفاهی یهود بود. پس از عزرا، روشی در تفسیر و تأویل متون مذهبی رایج شد که میدراش نامیده می‌شود و اختراع آن را به وی نسبت می‌دهند. واژه «میدراش» به‌معنای جستجو است؛ زیرا دانشمندان از خلال میدراش، به جستجوی معانی نهفته می‌پرداختند و می‌خواستند، همه مسائل روزانه زندگی را از تورات استخراج کنند. پس از تأسیس مجمع کبیر برای رسیدگی به امور مذهبی، کم‌کم این فکر رواج یافت که تفسیر تورات پس از حضرت موسی علیه‌السلام نسل به نسل به دست اعضای آن مجمع رسیده است. سپس پنج زوج دانشمند به توالی، به تفسیر و وضع قوانین جدید پرداختند که دو زوج آخر آنان، به نام هیلل و شمعی (شمای) بسیار معروف شدند. این دو تن، در حدود سال ۱۰ م درگذشتند. در این دوره، یکی از دو زوج، ناسی یعنی رئیس و دیگری آوبت دین یعنی رئیس دادگاه نامیده می‌شد. تمام این قضایا میان فریسیان جریان داشت و صدوقیان با آن مخالف بودند و تنها به‌ظاهر تورات اهتمام می‌ورزیدند.

هیلل و شمعی هرکدام مکتبی را بنیاد نهادند و شاگردان آنان در هفتاد سال اول تاریخ میلادی، به نشر افکار و اندیشه‌های ایشان پرداختند و سرانجام، موفقیت نصیب هیلل شد. گفته می‌شود، اختلافات این دو رهبر از ۳۰۰ مورد تجاوز می‌کرد و شمعی، در برداشت‌های خود، از هیلل سخت‌گیرتر بود. هیلل اولین فرد از سلسله تنّائیم است. دومین فرد این سلسله که حلقه ارتباط بین هیلل و دانشمندان بعدی محسوب می‌شود، یوحانان‌بن زکّای است. هنگامی که لشکر تیتوس در سال ۷۰ م به ویران کردن اورشلیم مشغول بود، یوحانان، پیوسته یهودیان را به آرامش دعوت می‌کرد؛ زیرا از نابودی یهودیان نگران بود. یهودیان سخن او را نپذیرفتند؛ از این‌رو، وی به انتقال مرکز علمی و مذهبی اقدام کرد. او برای این هدف، نخست خبر بیماری و سپس مرگ خود را شایع کرد و پیروانش وی را در تابوتی نهاده، به‌عنوان خاک‌سپاری از شهر خارج کردند. از آنجا که او شخصیتی ممتاز بود، سربازان تیتوس (که بر دروازه‌های اورشلیم با سرنیزه جنازه‌ها را آزمایش می‌کردند)، به جسد وی کاری نداشتند. یوحانان در خارج از شهر خود را به فرمانده کل لشکر رساند و از او تقاضا کرد که شهرک یاونه در فلسطین را در اختیار وی قرار دهد. این خواهش پذیرفته شد و او در آنجا کار علمی خود را تعقیب کرد و بدین‌وسیله علوم هیلل و دیگر دانشمندان گذشته را به نسل‌های آینده انتقال داد.

پس از یوحانان فردی به‌نام ایشماعل‌بن الیشع، به تفسیرهای تلمودی پرداخت و کار عمده وی آن بود که هفت اصل تفسیری هیلل را به سیزده اصل رساند. همچنین فردی به‌نام عقیبابن یوسف در همین عصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دانشمند بر تلمود حق بزرگی دارد. زیربنای تلمود به‌شکلی که می‌بینیم، تا اندازه زیادی مرهون زحمات اوست. با این وصف، افتخار تدوین متن تلمود به‌عقیده بسیاری از دانشمندان، نصیب شخصی به‌نام یهودا هنّاسی شد. وی در سال ۱۳۵ م (سه سال پس از درگذشت عقیبا) به دنیا آمد و پس از آگاهی بر تفسیرهای عقیبا و دیگر دانشمندان، تصمیم بر کتابت آنها گرفت. این دانشمند میان قوم خود موقعیت خوبی پیدا کرد و بیش از پنجاه سال، ناسی یعنی رهبر بود. یهودا هنّاسی برای تورات شفاهی، نام میشنا را برگزید که در عبری به‌معنای مکرر و مثنّی است. در مقابل میقرا به‌معنای خواندنی و قروء. تلمود، میشنا نامیده می‌شود، زیرا مثن